

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

انینۀ ایران

انجمن قلم ایران در تبعید  
۱۵ نومبر ۲۰۱۳



IRANIAN PEN CENTER (IN EXILE)

[www.iranianpen.com](http://www.iranianpen.com)

## بیانیه انجمن قلم ایران در (تبعید) در پیوند با بازگشت «تبعیدیان»

در روزهای گذشته، وزارت خارجه حکومت اسلامی، به ایرانیان خارج از کشور فراخوان داده است به ایران بازگردند. بنابه گزارش ها، «حسن قشقاوی» معاون پارلمانی وزارت امور خارجه ایران گفته است که قرار است کمیته ای برای بازگشت فعالان سیاسی خارج از کشور به ایران تشکیل شود. خبرهایی به نقل از قشقاوی منتشر شده که حسن روحانی، رئیس جمهور، از نمایندگان چندین وزارتخانه از جمله، وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه خواسته است که این کمیته را برای بازگشت ایرانیان به جمهوری اسلامی ایران، تشکیل دهند. معاون وزیر خارجه حکومت اسلامی هم چنین بیان کرده که دلیل بازنگشتن برخی از ایرانیان «القائات اپوزیسیون در خارج از کشور است.»

قشقاوی، معاون پارلمانی وزارت امور خارجه حکومت جهل و جنایت و ترور و آدم خوار اسلامی، گفته است: «به عقیده من بسیاری از این ترس ها خودساخته است. این ترس هیچ ریشه ای ندارد.»

پیش از این آخوند «محمود علوی»، وزیر اطلاعات حکومت اسلامی ایران نیز در پیوند با بازگشت ایرانیان به کشورشان، گفته بود: «هر شخصی که خلافی نداشته باشد، تضمین می دهیم مشکلی نخواهد داشت.» او، با اشاره به ناآرامی های پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ ایران، گفت: «ترس بی مورد کسانی که در حوادث ۸۸ خلافی مرتکب نشدند را حل می کنیم.»

پرسش این است که تبعیدیان ایرانی، از برای چه بوده است که کشورشان را ترک کرده اند؟ آیا هم اکنون علت های ترک خانه و کاشانه شان از میان رفته اند؟ آیا آنان به دلخواه و خودخواسته از کشورشان گریخته اند؟ بیشترین این جان به در بردگان از حکومت کشتار اسلامی، از همان نسلی هستند که با همه توان و شور و شوق بی مانند، در انقلاب ۵۷

مردم ایران، با هدف برپائی یک جامعه بدون سانسور و اختناق، بدون زندان و شکنجه و اعدام و تنگدستی شرکت کرده بودند. اما، پس از سرنگونی حکومت پهلوی، زمان درازی نگذشت که حکومت اسلامی، به قدرت رسید و با تکیه بر ایدئولوژی اسلامی خود، انقلابیون و آزادی خواهان و دگراندیشان را به خونین ترین شکلی که برای انسان معاصر تصورپذیر نیست، سرکوب کرد و از میان برداشت و تمام دستاوردهای انقلاب مردم را ملاحظه کرد و بر باد داد.

حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده، از همان روزهای نخست استقرارش، یورش به رسانه ها، نهادهای دموکراتیک، سازمان ها و احزاب سیاسی و نیز، به کنشگران برجسته سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، سرکوب روشمند زنان، حمله به همایش ها و گردهمایی ها، هجوم به کردستان، ترکمن صحرا و به هر گوشه این خاک آخوند زده را آغاز کرد. آخوند خلخالی به نمایندگی خمینی، مأمور شد تا در دادگاه های صحرایی دو سه دقیقه ای، گروه گروه نوجوانان و جوانان، زن و مرد را بی شرمانه اعدام [کند که] کرد.

سیاست های انسان ستیزانه حکومت اسلامی، با یورش به دانشگاه ها ادامه یافت و جنگ ایران و عراق که آخوندها هشت سال تمام، نابخردانه و بیهوده، آن را به درازا کشاندند، دستاویزی شد تا با سرکوب و کشتار و سانسور بی مانند، به تحکیم حکومت اسلامی بپردازند.

باری، پس از رویدادهای ۳۰ خرداد [جوزا] ۶۰، حتا نفس کشیدن عادی نیز در حکومت اسلامی، سخت و دشوار شده بود؛ هرچه بود، گسترش سانسور بود و سرکوب؛ وحشت و ترور فرمان می رانند؛ جنگ و خونریزی، «برکت الله» اعلام شد؛ شکنجه و اعدام، قصاص و سنگسار، اشک و آه، درد و رنج و شیون مادران و پدران، خواهران و برادران، همسران و فرزندان، آن فضای سنگین و اندوه باری بود که می بایست در آن، شب سیاه را به روزی تیره تر، گره زدند. در سال شست، همه نهادهای مردمی و دموکراتیک با یورش های پی در پی مزدوران حکومتی و حزب الله تعطیل شدند؛ دفتر کانون نویسندگان را غارت کردند و سعید سلطانپور شاعر و هموند کانون نویسندگان ایران را از سر سفره پیمان زناشویی دستگیر کردند و پس از رویداد ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، همراه با گروهی از زندانیان سیاسی اعدام کردند. از آن تاریخ، ماشین آدم کشی حکومت اسلامی، هم چنان و با شتاب فزاینده، از جامعه ما قربانی می گیرد، تا این که در سال ۶۷، سال خون و وحشت، با فرمان خمینی، حدود پنج هزار زندانی سیاسی بی دفاع و بی گناه و اسیر در زندان ها را قتل عام کردند. ده سال پس از آن، وزارت اطلاعات حکومت اسلامی، یعنی در سال ۱۳۷۷، «قتل های زنجیره ای» را اجراء کرد و به ویژه، خانواده فرهنگ و ادب ایران را به ماتم نشانده؛ ده ها کنشگر برجسته و فرهیخته فرهنگی و سیاسی، چونان که تنها از آخوندها بر می آید، زجرکش شدند. محمد جعفر پوینده و محمد مختاری، این دو هموند گروه مشورتی هیأت دبیران کانون نویسندگان را نخست، ربودند و سپس جنازه مثله شده آنان را در حاشیه های کلان شهر تهران، رها کردند. پیشتر نیز، سعید سیرجانی و نویسندگان دیگری را که به اسارت گرفته بودند، چنان کشتند که واژگان از توضیح و تشریح و وصف آن ناتوان است. وزارت اطلاعات حکومت اسلامی، تلاش کرد تا گروهی از شاعران و نویسندگان ایرانی را که برای شرکت در یک تجمع فرهنگی و ادبی، با اتوبوس راهی ارمنستان بودند، همراه با اتوبوس به ژرفای دره های میان راه پرتاب کند تا همه نویسندگان و شاعران، یک جا و با هم کشته شوند. تنها هوشیاری برخی از هنرمندان بود که چنین نقشه اهریمنی و شومی را ناکام گذاشت. از آن زمان تا هم اکنون، نه تنها به کانون نویسندگان و دیگر نهادهای ناوابسته مردمی، اجازه فعالیت نداده اند، بلکه هرگونه تلاش کنشگران عرصه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مستقل، به بی رحمانه ترین شکل، سرکوب شده است. در ایران آخوند زده امروز، روزی نیست که خبر اعدام گروهی زندانیان به گوش نرسد. بیشترین مردم ایران، در نتیجه دیپلماسی بلاهت بار حکومت اسلامی و سیاست های مافیائی اقتصادی، امروز از تأمین نیازهای ضروری خود و خانواده هایشان، ناتوان هستند.

به سخن دیگر، وجود حکومت جهل اسلامی است که بسیاری از کنشگران سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نیز، میلیون ها ایرانی را واداشته است تا برای گریز از فضای تنگدستی و تحقیر، ترس و وحشت، سانسور و ترور، شکنجه و اعدام، به ناگزیر کشور و عزیزان شان را ترک گویند تا در گوشه دیگری از جهان به فعالیت های آزادیخواهانه، برابریخواهانه و دادجویانه خود ادامه دهند تا آن روزی که همه بزهکاران ۳۵ سال سرکوب و کشتار و ترور به دست عدالت سپرده شوند.

انجمن قلم ایران در تبعید، در راستای هدف ها و منشور خود، از آزادی بی حد و حصر بیان و قلم و اندیشه، نه تنها برای نویسندگان و هنرمندان، بلکه از آزادی های تعریف شده همه شهروندان پشتیبانی می کند و بنا بر وظیفه فرهنگی و شهروندی خود، دمی از افشای جنایت های حکومت اسلامی فروگذار نخواهد کرد. ما، اعدام های لجام گسیخته و کور اخیر را که از سوی حکومت اسلامی و مثنی آخوند اعمال می شوند، به شدت محکوم می کنیم و به اندازه توان خود، تلاش خواهیم کرد تا نهادهای جهانی از خود، حساسیت بیشتری به کشتار آدمیان در حکومت اسلامی که با مردم هم چون غنیمت های جنگی دوران های پیش از تاریخ و برده های به اسارت گرفته رفتار می کند، نشان دهند.

بنا بر این، انجمن قلم ایران در تبعید، به همه ایرانیان آزاده هوشدار می دهد که بازی اهریمنی آخوندها برای بازگشت ایرانیان به کشور، پیش از آن که سیاسی واقعی باشد که نیست، ترفندی است تکراری برای کاستن از حساسیت جامعه ایرانی برونمرز به اعدام های کور اخیر. از سوی دیگر، رژیم تلاش می کند که برای رهائی از تنگناهای همه جانبه سیاست های داخلی و بین المللی که سخت گرفتار آن هاست، با تهیه خوراک تبلیغاتی برای سرسپردگان سیاسی و فرهنگی خود، افکار همگانی را از پلیدی های سیاست خود، منحرف کند.

حکومت اسلامی ایران، حکومت جنایت علیه بشریت است. به هوش باشید!

انجمن قلم ایران در تبعید

۱۳ نوامبر ۲۰۱۳